

زنان شاهنامه

محمد نجاری - حسین صفی



کتاب آمه

سرشناسه	: نجاری، محمد، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: زنان شاهنامه / محمد نجاری، حسین صفی.
مشخصات نشر	: تهران: کتاب آمه، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۷-۸۱-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: چاپ قبلی طراوت: ۱۳۹۰.
یادداشت	: کتابنامه: ص ۱۴۱.
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه — شخصیت‌ها — زنان.
موضوع	: زنان در ادبیات.
شناسه افزوده	: صفی، حسین، ۱۳۴۶ -
بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ز ۳ ن / PIR ۴۴۹۶
رده‌بندی دیوینی	: ۸ فا ۱ / ۲۱
شماره کتابخانه	: ۲۹۰۳۸۹



کتاب آمه

زنان شاهنامه

مؤلفان: محمد نجاری، حسین صفی

ویراستار: دکتر سیاوش مرشدی

طراح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ دوم (اول ناشر): ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پارس‌سیان - چاپ و صحافی: بهمن

بلوار کشاورز - نبش کارگر - پلاک ۳۰۸ تلفن: ۶۶۹۳۹۲۴۵ - تلفن فروش: ۶۶۴۲۲۸۲

Email: amehpub@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۷-۸۱-۱

کلیه حقوق محفوظ است

بها: ۸۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	واگروه‌ای به نام پیش گفتار
۹	دیناچه
۱۱	زن و حباسه
۱۹	زن در شاهنامه
۲۳	نخستین حضور
۲۵	حضور جدی
۳۳	رودابه
۳۹	سیندخت
۴۵	سودابه
۵۹	تهمینه
۶۶	گردآفرید
۷۱	مادر سیاوش
۷۴	فرنگیس
۷۹	جریره
۸۵	منیژه
۹۱	کتایون
۱۰۳	همای
۱۰۵	ناهید
۱۰۷	قیدافه
۱۱۳	گلنار
۱۱۵	مالکه
۱۱۹	دوران بی حضوری
۱۲۳	گردیه
۱۳۵	شیرین
۱۴۱	کتاب‌نما

واگویه‌ای به نام پیش‌گفتار

آن‌چه در پی می‌آید تصاویر است ریز و دُرُشت از کتابِ زنان شاهنامه که برای خوانندگان شبیه قصه است و برای من شرح غُصه:

سال‌ها چاپ نشدن کتاب زنان شاهنامه، زخمی بر روح بود و دردی بر جان، تا این‌که با تلاش سرکار خانم دکتر عفت نجارنوبری، مدیر محترم نشر طراوت، کتاب در واپسین روزهای سال ۱۳۹۸ مجوز چاپ گرفت. از بخت باری ما بود که این بار من و استاد ارجمند همکار گرامی، جناب آقای حسین صفی، در بازی‌های زندگی گرفتار بودیم. به هر حال، بهمن ۱۳۹۸ زنان شاهنامه چاپ شد و چنان‌که انتظار داشتیم مورد قبول ادب‌دوستان واقع شد و در کمتر از دو ماه چاپ نخست آن به پایان رسید.

چنان‌که می‌بینید چاپ دهم کتاب به نشر کتاب آمه واگذار شد.

در چاپ حاضر برخی منابع افروخته و در بخش‌هایی نیز، مواردی بازنگری شده است. آن‌چه می‌ماند سپاسگزاران و دانشجویان در دانشگاه آزاد اسلامی و مراکز آموزش علمی کاربردی شهر تهران است که خواسته یا ناخواسته کتاب را خواندند و برخی نکات ویرایشی را اصلاح کردند.

سپاس بیکرانم نثار دوست دانشمند و جوانم جناب آقای دکتر سیاوش مرشدی است که ویراستاری کتاب را انجام دادند و مرشد ساندن کتاب به همکاران دانشگاهی و دانشجویان از هیچ کوششی فروگذار نکرد و بی‌همراهیشان هرگز این چاپ آماده نمی‌شد.

نمی‌دانم که گردش روزگار این فرصت را در اختیارم خواهد گذاشت که ویرایش دیگری از کتاب انجام دهم یا نه، اما همچنان چشم‌گشاد از کرم یاران دارم.

«تا دل شب از امیدانگیز یک اختر تهی گردد

ابر می‌گرید

باد می‌گردد...»

محمد نجاری

دی ۱۳۹۱ - تهران

دیباجه

«نماسه» تاریخ آرزوهای یک ملت است. انسان نخستین از آن جایی که هنوز به صنعت و نیروی دست نیافته، در رویارویی با طبیعت وحشی ناتوان است؛ که طبیعت دارای اسلحات و نیروی بالقوه و بالفعل است و در مقابل، تنها ابزار بشرِ نخستین یعنی بدنِ او است. بنابراین در خود احساس ناتوانی می‌کند زیرا هنوز فاقد تجهیزات لازم برای رام کردن طبیعت است. از باریدن باران به خاطر جاری شدن سیل در هراس است و از نباریدن، به جهت خشکسالی می‌ترسد. از آمدنِ توفان وحشت می‌کند و از رویارویی با حیوانات وحشی در هراس است. در برابر حمله‌ی دیگر قبایل نگران می‌شود و به سختی از سنگ و چوب و آهن، نیروی دفاعی و هجومی می‌سازد. اما با این همه، نگرانی مهم این جاست که همین انسان می‌ایستد، مبارزه می‌کند و سخت جانان می‌دهد تا با گذشت زمان، طبیعت سرکش را رام کند و از آن برای خویش سود جدید بخشد. خانه می‌سازد، به شکار می‌پردازد، کشاورزی به راه می‌اندازد و ابزار می‌سازد تا زندگی خود و سامان دهد.

زندگی انسان به مرور رو به پیشرفت و تکامل است و به تدریج سودگی خیال نسبی می‌یابد. اما با همه‌ی این پیشرفت‌های نسبی که به کنایه می‌توان صورت می‌پذیرد، هیچ‌گاه از حمله‌ی دیگر اقوام در امان نبوده است و ترس دیگر مراد برایش ترس و هراس به ارمغان می‌آورد، این مورد شکلی و حالتی دیگر به خود می‌گیرد.

انسان در کشاکش درگیری‌های قومی و قبیله‌ای استواری می‌یابد و بر دو قالب و حالتِ اصیل بشری دست می‌یابد:

۱- در جنگ‌ها اگر بازنده باشد، از شکست به سوگ و عزاداری می‌نشیند و مرثیه‌سرایی می‌کند و تعزیه می‌گوید؛

۲- اگر پیروز باشد، مغرور می‌شود و به خود می‌بالد تا پایه‌های حماسه‌سرایی را بنیان نهد.

بنابراین هر ملتی که غرور ملی‌اش قوی‌تر و اصیل‌تر باشد، دارای حماسه می‌شود. زیرا ملتی که چون دیگر انسان‌ها در رویارویی با طبیعتِ خشن، خود را ناتوان می‌بیند و از سویی دارای غروری ریشه‌دار است، احساساتش جریحه‌دار می‌گردد. پس با بزرگ‌نمایی خویش و پرواز به دنیای خیال و افسانه‌پردازی، غرورِ حدشه‌دار شده‌ی خویش را بازسازی می‌کند. این جاست که «حماسه» بازتاب و نمایان‌گر رافق‌آمیز آرزوهای بشری می‌شود تا سرخوردگی‌اش را به گونه‌ای جبران کند.